رسالت

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی صبح ایران

صاحب امتیاز: بنیاد رسالت
مدیرمسئول: محسن پیرهادی
سردبیر: مسعود پیرهادی
نشانی: تهران، خیابان استاد نجات اللهی جنوبی خیابان شهید اسماعیل محمدی- پلاک ۱
کدپستی: ۱۵۹۹۹۷۶۷۱۱ | تلفن: ۱۰-۸۸۹۱۰۸۰۶
نمابر: ۸۸۹۰۶۷۸۵ | چاپ: صمیم | تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

پنج‌شنبه
۹ مرداد ۱۴۰۴
۶ صفر ۱۴۴۷
۳۱ جولای ۲۰۲۵
سال چهلم
شماره ۱۱۱۹۴

WWW.RESALAT-NEWS.COM

اوقات شرعی

اذان ظهر ۱۲:۱۱
اذان مغرب: ۱۹:۲۹
اذان صبح فردا: ۳:۳۵
طلوع آفتاب فردا: ۵:۱۲

خوانندگان فهیم روزنامه رسالت می‌توانند پیام‌های خود را به سامانه‌های ۱۰۰۰۲۱۸۸۹۱۰۸۰۸ یا ۵۰۰۰۱۰۶۰۶۵۸۱۱۹ پیامک کرده و مسائل و مشکلات خود را بیان نمایند. بی‌صبرانه منتظر پیام‌های گرم شما هستیم.

کلام امیر

امام(علیه‌السلام) فرمود: ازدست‌دادن دوستان غربت است!

شاه‌بیت

ساربانا یک نظر در روی آن زیبا نگار
گربه جانی می‌دهد اینک خریدار آمده‌ست
سعدی

شور عمومی، مردم را به هم نزدیک می‌کند

انقلابی‌گری و جمع شور و صبر

رهبر معظّم انقلاب اسلامی، در سخنرانی اخیر خود، بر اهمّیّت شور و هیجان عمومی برای مواجهه با دشمن و تهدیداتش تأکید کردند و فرمودند: «شور و هیجان عمومی مردم لازم است. امروز ملّت ایران یک شور و هیجانی دارد، بخصوص جوانها شور و هیجان دارند؛ این چیز خیلی خوبی است، این چیز خیلی لازمی است، امّا بی‌صبری مضر است. اینکه بی‌صبری کنند، دائم پا به زمین بکوبند که آقا چرا نشد، چرانکردید، چرا اقدام نشد و مانند اینها، این مضر است. یعنی بدانیم که کدام کار، کار درستی است، کدام کار، کار مضرّی است.» ۱۴۰۴/۴/۲۵

اوّلین سؤالی که می‌توان مطرح کرد و باید به آن اندیشید این است: چرا این شور و هیجان مردمی لازم است و چه نتایجی دارد؟

نقش مردم در رویارویی جاری

اوّلین و شاید مهم‌ترین پاسخ به این سؤال، در نقش مردم نهفته است. مردم، در این رویارویی و نبرد، نقشی محوری و تعیین‌کننده دارند. دشمن، در برنامه‌ی شومی که در سر داشت و همچنان دارد، روی موضوع «گسست اجتماعی» و «تقابل مردم با نظام جمهوری اسلامی ایران» حساب ویژه‌ای باز کرده بود و در دوره پساجنگ نیز همچنان می‌کوشد این خط را به انواع و اقسام روش‌های مختلف و حتّی کثیف دنبال کند. توجّه و تأمّل در این موضوع نشان می‌دهد نگرش و رفتار عمومی ایرانیان یکی از مؤلّفه‌های محوری و تعیین‌کننده در این نبرد است و در فهرست دلایلی که باعث شد دشمن تا اینجای کار ناکام بماند، عنصر «مردم» جزو عناصر کلیدی و سرنوشت‌ساز بود. توجّه به این نکته اساسی به تنهایی برای پاسخ به سؤال فوق کافی به نظر می‌رسد، هرچند دلایل متعدّد و مهمّ دیگری نیز وجود دارد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

روحیّه و وحدت ملّی

شور عمومی، مردم را به هم نزدیک می‌کند و شکاف‌های سیاسی، قومی، طبقاتی و مانند این‌ها را کاهش می‌دهد. یک ملّت متّحد، در برابر جنگ روانی دشمن و فروپاشی داخلی مقاوم‌تر است. دشمن، در تمام این سال‌ها، کوشیده است با دامن زدن به دوقطبی‌های کاذب و وزن دادن به مسائل فرعی و امور حاشیه‌ای، اتّحاد و انسجام ایرانیان را تضعیف کند؛ چنین تضعیفی، به خودیِ خود، بر قدرت کشور و اقتدار آن اثر منفی می‌گذارد. متأسّفانه برخی نگرش‌ها و رفتارهای غلط نیز، خواسته یا ناخواسته، در خدمت این سیاست دشمن قرار گرفتند و به شکاف‌های اجتماعی دامن زدند. برخی تحلیلگران معتقدند برآورد دشمن از وضعیّت اجتماعی ایران و شکاف‌های آن، یکی از دلایل قابل توجّه در تصمیم به تجاوز بود؛ برآوردی که البتّه بلافاصله پس از تهاجم، غلط بودن و سطحی بودن آن آشکار شد و بارها دیگر ثابت شد که دشمن ارزیابی و شناخت درستی از مردم ایران ندارد. از این منظر، حفظ شور و هیجان عمومی به عنوان یک عامل بازدارنده

و مؤلّفه‌ای مهم در محاسبات دشمن، مسئله‌ای درخور توجّه است.

برتری روانی بر دشمن

مردمی با انگیزه دشمن را از نظر روانی تضعیف می‌کنند و عزم شکست‌ناپذیرشان باعث عقب‌نشینی دشمن می‌شود اگرچه قدرت آفندی ایران در حوزه موشکی نقشی مستقیم و بی‌نظیر در مهار تجاوز دشمن صهیونیستی داشت، امّا آنچه این توان نظامی و فیزیکی را تکمیل کرد عزم ملّی و نحوه مواجهه مردم با دشمن متجاوز بود؛ مسئله‌ای که از دید رسانه‌ها و تحلیلگران غربی هم دور نماند. روزنامه آمریکایی «نیویورک تایمز» به تازگی در این خصوص نوشت: «پیش‌بینی می‌شد ایران در تابستان با آشوب داخلی مواجه شود، امّا جنگ و فراخوان ترامپ و نتانیاهو به مردم ایران برای قیام علیه نظامشان نتیجه‌ی عکس داد.» برخی تحلیلگران مسائل ایران، قبل از حملات اسرائیل پیش‌بینی می‌کردند که ایران در تابستان شاهد آشوب خواهد بود، امّا به نظر می‌رسد حمله اخیر نتیجه‌ای معکوس از خود برجای گذاشت. درخواست‌های ترامپ و نتانیاهو از ایرانیان برای قیام علیه نظام، بعد از آغاز حملات، حتّی با واکنش برخی از منتقدان حکومت مواجه شد و آن‌ها گفتند نمی‌توانند چنین اقدامی را تأیید کنند. یک ایرانی در این باره می‌گوید: «مردم نمی‌پذیرند که تغییرات داخلی توسّط دولت‌های خارجی هدایت شود. این بر خلاف غرور ملّی من است که کشوری بیاید به سرزمین من تجاوز کند و به سایت‌های هسته‌ای من حمله کند؛ در نهایت، همین برنامه هسته‌ای هم بخشی از سرزمین و خاک من است.»

پشتیبانی از نبرد

وقتی مردم با انگیزه و پُرشور باشند، بر تمام ابعاد نبرد اثر می‌گذارند. باید توجّه داشت که این تنها یک نبرد نظامی نبوده و نیست؛ نبرد رویارویی با دشمن متجاوز همچنان در ابعاد مختلف دیپلماسی، اقتصادی، امنیّتی، رسانه‌ای و مانند این‌ها در جریان است. شور و انگیزه مردمی و در میدان بودن آن‌ها، به طور مستقیم بر اغلب این ابعاد اثر می‌گذارد و سرنوشت رویارویی را رقم می‌زند. یکی از ابعاد اصلی و مهمّ این نبرد «تاب‌آوری اجتماعی» است. کشوری که مردم آن از تاب‌آوری بیشتر و بالاتری برخوردار باشند، قطعاً بهتر می‌تواند در میدان نبرد نظامی هم حاضر شود و فعّالیّت کند. همدلی اجتماعی و همراهی مردم با یکدیگر از جمله‌ی جلوه‌های این تاب‌آوری است که مردم ایران عزیز در این میدان خطیر از خود بُروز دادند و فصل درخشانی را در تاریخ این کشور رقم زدند. این همدلی و شور اجتماعی دست ایران را در میدان دیپلماسی هم پُرتر می‌کند. وقتی یک دیپلمات در صحنه‌ای جهانی حاضر می‌شود، بسیار مهم است که از پشتیبانی ملّی و مردمی برخوردار باشد. این سرمایه باعث پشت گرمی و اقتدارنمایندگی کشور می‌شود و او به اعتبار و پشتوانه این سرمایه می‌تواند در برابر زیاده‌خواهی‌ها و زورگویی‌ها بایستد و از حقوق کشور و ملّت خود دفاع کند.

تقویت امنیّت

احساس مسئولیّت در تأمین امنیّت ملّی یکی از جلوه‌ها و نتایج شور و هیجان مردمی در وضعیّت حاضر است. تجاوز اخیر و ماجراهای مربوط به آن نشان داد مردم نقش واثری مستقیم و بی‌بدیل در تأمین امنیّت کشور دارند؛ همان طور که بسیاری از توطئه‌ها و خرابکاری‌ها با کمک و مشارکت مستقیم مردم برملا و خنثی شد. بنابراین، هم متولّیان و مسئولان متوجّه شدند که حذف و نادیده انگاری مردم از مقوله «تأمین امنیّت» اشتباه و ناشدنی است، و هم مردم دریافتند که باید در این زمینه احساس مسئولیّت کنند و عملاً در میدان باشند.

مروری بر فراز و نشیب‌های پس از انقلاب نشان می‌دهد که هرجا مردم به طور گسترده و فراگیر درگیر موضوع «امنیّت» بوده‌اند، دشمن مجال کمتری برای عرض اندام و ضربه زدن پیدا کرده و هرجا مردم به هر دلیلی نقش کم‌رنگی داشته‌اند، دشمن در خباثت خود موفّق‌تر عمل کرده است.

شور و هیجان، منهای بی‌صبری

همان طور که رهبر انقلاب نیز بلافاصله پس از تأکید بر لزوم حفظ شور و هیجان مردمی هشدار دادند، آفت این حسّ و حال «بی‌صبری» است. «بی‌صبری» یکی از نتایج عدم کنترل احساسات و شور و هیجان است و در هر زمان و شرایطی مضر است، امّا در شرایط خاصّ فعلی بیش از همیشه باید به آن توجّه داشت و مراقب بود که دچار آن نشد. رهبر انقلاب سال‌ها پیش نیز نسبت به این آفت هشدار داده بودند: «دچار شتاب‌زدگی و بهانه‌گیری هم نباید بشویم. یکی از چیزهایی که واقعاً ما ها همه من، شما آقایان ـ در شهرها، در خُطَب نماز جمعه، در بین طلّاب، فضلا، حوزه‌های علمیّه باید به آن توجّه بدهیم، این است که یکی از عیوب کار، این بی‌صبری و شتاب‌زدگی است؛ مرتّب آدم پا به زمین بزند که «آقا چرا نشد؟ چرا نشد؟» خب هر چیزی قدری دارد، هر چیزی اَجَل و اَمَدی دارد، همه چیز با سرعت انجام نمی‌گیرد. یک وقتی یک نفری آمد خدمت امام و به ایشان از وضع دولت شکایت کرد آن وقت بنده رئیس جمهور بودم یک چیزی گفت؛ امام به او یک جمله‌ای گفتند که من یادم نمی‌رود، گفتند «آقا! اداره کشور سخت است»؛ بنده که خودم رئیس جمهور بودم، وقتی امام این را گفتند واقعاً از ته دل این را تصدیق کردم. خیلی از کارها حتماً باید بشود و باید برای آن آماده شد و باید کمر همّت بست، منتها تا رسیدن به آنجا یک مقداری فرصت لازم است. این شتاب‌زدگی و پا به زمین کوبیدن و احساس اینکه دیر شد، احساس خوبی نیست.» ۱۳۹۷/۱۲/۲۳

بنابراین، مردم به طور عام و جوانان به طور خاص باید مراقب این آفت باشند و بدون شک صاحبان تریبون و رسانه که مخاطب عمومی دارند، مسئولیّتی سنگین‌تر در این مقوله دارند؛ باید شور و هیجان عمومی را حفظ کرد و در عین حال مراقب بی‌صبری‌ها که اغلب ناشی از بی‌اطّلاعی و ارزیابی‌های نادقیق است نیز بود.

نکته

حاج رمضان؛ کابوس زنده اهریمنان

روزپاییزی، چند خطی در رثای کابوس همیشه زنده اهریمنان» در اختیار مهر قرار داده که در ادامه می‌خوانیم: به گزارش مهر و اواخر آذرماه سال گذشته بود که خبر رسید آقای «حاج رمضان» به دنبالت می‌گردد و می‌خواهد برای دیدار با شما به منزلتان بیاید. با شناختی که از ایشان و تهدیدات و حوادث اطرافشان داشتم، استدعا کردم از آن جایی که جابجایی حاجی برایشان خطرناک است و مصلحت نیست، لذا رخصت دهند تا خودم خدمتشان برسم. مجدد تماس گرفتند و تأکید کردند که حاجی اصرار دارند هرطور هست خودشان بیایند! حرفی باقی نماند جز شکر و افتخار و سپاس من از مهربانی و فهم و فروتنی و تواضع و جوانمردیِ این علمدار سلحشور و گمنام ایران‌زمین! فرمانده ظلم‌ستیزی که بیش از چهل سال، با مسئولیت پرونده فلسطین، خواب را از چشم دشمن صهیونی ربوده، حالا قرار است قدم بر چشم من و خانواده‌ام بگذارد. دلشوره از سلامتی او، آرام و قرارم را ربوده بود، روی پا بند نبودم! نکند این دیدار باعث به خطر افتادن جانِ نازنین این شیرمرد سپاه اسلام شود! نمی‌توانستم بنشینم، آمدم پایین و داخل کوچه قدم می‌زدم تا از راه برسند و البته لازم دانستم درب پارکینگ منزل را با رسیدنشان فوراً باز کنم تا معطل و متوقف نشوند و کسی هم متوجه تردّدشان نگردد. در هوای خنک غروب آن روز و حین راه رفتنم روی برگ‌های خشکیده درختان پاییزی، به خاطرات مشترک با حاج رمضان فکر می‌کردم. مرد بلند بالا، عاطفی، مهربان و با وقاری که اشبه الناس به فرمانده شهیدش بود. یاد آن شبی افتادم که در هوای شرجی بیروت، بر روی پشت بام منزل «امّ مصطفی» برای جشن عقد ازدواج نوه گرانقدر شهید حاج عماد مغنیه کنار هم نشسته بودیم. بعد از احوالپرسی و قدری گپ و گفت، در مورد نگرانی‌های همیشگی حاج قاسم برای جانِ حاج رمضان، با او حرف می‌زدم. تأیید می‌کرد و می‌خندید و خودش هم چند خاطره از دلواپسی‌های حاجی نسبت به این موضوع بیان کرد. به حاج رمضان گفتم مستند ۷۲ ساعت را دیده‌اید؟ گفت بله، گفتم مصاحبه شهید حجازی در مورد خودتان را هم دیدید؟ گفت در مورد من؟ گفتم بله. روایت سردار حجازی از آخرین سفر حاج قاسم به لبنان و آخرین دیدار با سید حسن نصرالله. و قصه از این قرار بود که گویا بعد از اتمام جلسه و قبل از ترک ساختمان، حاج قاسم در حال سوار شدن به ماشین، رو می‌کند به شما و می‌گویند: «آقای حاج رمضان! هیچ می‌دونی که خنجر دشمن زیر گلوی توست؟ حواست هست؟» آقای حجازی گفت که شما فوراً جواب دادید که: «آقای حاج قاسم! خبرها و قرائن و شواهد اینطور به نظر می‌رسد که از قضا خنجر دشمن جنایت سیرت آمریکایی- صهیونیستی زیر گلوی خود شماست! شما باید خیلی بیشتر از زمن، از خودتان مراقبت کنید.» باز هم به آرامی خندید و گفت درسته همینطور بود؛ و شروع کرد اتفاقات قبل و بعد از آن دیدار آخرین را بازگو کردن. به لحظه شنیدن خبر شهادت حاج قاسم که رسید، اشک امان نداد. همه مهمانان شاد بودند اما حاج رمضان اشک می‌ریخت و روایت می‌کرد. خیلی از مهمانان آن شب، دیگر نیستند و به شهادت رسیدند. ابومهدی (حاج علی زاهدی) و خیل زیادی از فرماندهان حزب الله که به جمع شهدا پیوستند. حالا من توی کوچه و دم در خانه‌ام منتظر مردی هستم که حاج قاسم همواره نگران جانِ عزیزش بود! سمند سفید رنگی به سرعت وارد کوچه شد، بی اختیار درب حیاط را باز کردم و راننده سمند با دیدن من بکراست وارد پارکینگ شد. حاجی پیاده شد، آغوش باز کرد، خودم را اشکبار در بغلش رها کردم! محکم در بغلم گرفت و می‌بوسید و فشارم می‌داد! او می‌دانست چرا آمده و چه می‌کند و من هم... تعارف و راهنمایی‌شان کردم تا وارد خانه شوند، با خودشان یک قاب عکس خیلی زیبا از تمثال نورانی سید حسن نصرالله هدیه آوردند، بوسیدم و روی کتابخانه اتاق پذیرایی گذاشتم. سراسر شوق بودم از این همه محبت، معرفت و غیرت. حاج رمضان اولین و آخرین فرمانده‌ای نبود که بعد از خروجم چنین با سخاوت و بزرگی رفتار کرد، اما جزو معدود یاران اصلی حاج قاسم بود که نمی‌خواستم حتی به قیمت تجدید دیدارمان، آب در دلش تکان بخورد. در آن لحظات آسمانی، که قریب به دو ساعت طول کشید، مرادائم به اتصال محکم به ریسمان ولایت توصیه می‌کردند. خیالش را راحت کردم و گفتم تا پای جانم بر سر عهدم با سکاندار جانباز سفینه عاشورایی انقلاب هستم. حالا حدود یک اربعین از شهادت پرافتخارِ کابوسِ دشمنان اهریمن صفتِ مردمان این سرزمین الهی گذشته است. فرمانده‌ای که قبل از شهادتش، از دشمن خود انتقام سختی گرفته بود، نه انتقام شهادت خودش را، که انتقام خون‌های مظلومان غزه و لبنان و مستضعفین عالم را. جوانمرد سلحشوری که عاشق مبارزه با اسرائیل بود و ما را هم دلباخته‌ترور مصمم‌تر برای سپری کردن مسیر این مبارزه کرد. چهره معصوم و توصیه‌های دلسوزانه او همچنان پیش چشمم است.

در این ایام سرنوشت‌ساز تقابل تمامی ایمان با تمامیت کفر، شرط خِرَد و رسم جوانمردی، اطاعت محض از اوامر و نواهی یگانه دوست خیرخواه و خردمند قوم سلمان پارسی در این فلات اهورایی، حضرت سیدعلی حسینی خامنه ای (حفظه ألمولی تعالی) ست که فرمود: «نه زیر بار جنگ تحمیلی می‌رویم و نه تن به ننگ صلح تحمیلی می دهیم. دشمن، دین و دانش مردم ایران را هدف گرفته است و از علم و ایمان ما می‌هراسد ...» در خانه اگر کس است، یک حرف بس است!

بیا که موسم یاری و فصل بیداری ست

به پای «دوست» نشستن، رسم عیّاری ست
والسلام
کوچک‌ترین سربازِ این میهن خدایی - احسان محمدحسنی

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب خوش قدم بحری فرزند یداله به ش ش ٤٦٩ و کد ملی ٥٠٤٩٦٣٧٦٣٥ صادره از پارس آباد در مقطع کاردانی آموزش ابتدایی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل به شماره تائید و تاریخ ۱۳۸۲/۸/۹ مفقود گردیده است از یابنده تقاضا می گردد اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل به نشانی اردبیل میدان بسیج مجتمع دانشگاه آزاداسلامی واحداردبیل کدپستی ۵۶۱۵۷۳۱۵۶۷ارسال نماید.

برگ سبز برگ کمپانی و کارت سواری پژو پارس مدل ۱۳۹۸ به رنگ سفید به شماره پلاک انتظامی ۲۷۵ق۷۸ ایران ۹۵ و شماره شاسی NAAN11FE8KH549762 و شماره موتور 181B0117811 به نام مهران محتشمی نیا مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز اتومبیل سواری هاچ بک ساپیا مدل ۱۳۹۷ به شماره انتظامی ٦٥٨٦٤ ایران ۲۳ به شماره موتور M15/8715099به شماره شاسی NAS821100J1209465 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل سند کمپانی و اصل شناسنامه مالکیت (برگ سبز) سواری سیستم پژوتیپ PARS-XU7 به رنگ خاکستری متالیک مدل ۱۳۹۲ به شماره موتور 124K0247590 و شماره شاسی NAAN01CA5DH907218 و به شماره پلاک انتظامی ایران ۱۴- ۸۷۹ق ٦٨ و به نام مالک احمد عبداله زاده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز اتومبیل سواری سایپا مدل ۱۳۹۸ به شماره انتظامی ٦٩٨ط ٨٦ ایران ٥٣ به شماره موتور M13/6379242 به شماره شاسی NAS411100K3570347 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کلیه مدارک موتورسیکلت متین خودرو به شماره موتور ۲۲۸۹۷۵ و شماره شاسی ۳۸٤٦٥ و شماره پلاک ٥١٢ ایران ۹۹٦٤۲ مدل ۱٤۰٤ به رنگ آبی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز موتورسیکلت رایز 150i NVX مدل ۱٤۰۱ رنگ سبز فسفری پلاک ایران ۱٤۷ - ٥٧١٣٢ شماره موتور NCVT2JGFMN1T48599به شماره تنه 0149NCV274525 به نام محیا دهقان نیری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل برگ سبز (شناسنامه) خودرو سواری پژو ٤٠٥ به شماره پلاک ۳۹۷م٦٤ ایران ۲٤ به رنگ مشکی مدل ۱۳۸۹ به شماره موتور ۱۲٤۸۸۳۳۱۷۳۳ شماره شاسی NAAM01CA9AE205119 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو فیدلیتی الیت مدل ۱٤۰٤ رنگ مشکی متالیک پلاک ۲۹ ایران ۳۲٦س ۷۸ شماره موتور *SQRE4T15C*BJRK٦٣٠٣٧* شماره شاسی NAGC7AB4FS1002710 به نام گل صنم بکیان دوگاهه مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودروی سواری پژو ٤٠٥ مدل ۱۳۸۲ به شماره پلاک ایران ۸۱-۸۸۷س ۲۲ به شماره موتور ۲۲٥٦۸۱۲۱۲٤٤ به شماره شاسی ۸۱۰۲۳٦۷۲ به نام سلیمان شریفی ریگی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو سواری سیستم شاهین مدل ۱٤۰۲ رنگ سفید شماره پلاک ایران ۹۷- ۷۹۵۱۳۷ شماره موتور MI5TC2065680 شماره شاسی NAS1110021065252 متعلق به بهروز فیروزی اردجینی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل دانشنامه کارشناسی ناپیوسته در رشته مهندسی تکنولوژی عمران - عمران متعلق به آقای محمدرضا شعبانی فرزند غلامعلی به شماره شناسنامه ٤٥٦٩ صادره از قائم شهر متولد سال ۱۳٦٦ که در تاریخ ۳۰ بهمن ماه ۱۳۹۰ از موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی - غیردولتی صالحان قائم شهر اعطا گردیده است مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودروی سواری پژو CNG PARS XU7 مدل ۱۳۹٤ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور 124K0660168 به شماره شاسی NAAN21VE2H386188 به شماره انتظامی ۷۳۸ب ۹۳ ایران ۸۵ به نام احمدعلی مرادقلی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودروی سواری پژو ٤٠٥ جی ال ایکس آی ۱/۸ مدل ۱۳۸۷ به رنگ نقره‌ای به شماره موتور ۱۲٤۸۷۰٤۸٤۹۰ و شماره شاسی NAAM01CA78E363940 به شماره انتظامی ۱۹٤ق٦۲ ایران ۸۵ به نام نعمت‌الله حسن‌زهی میلانیا مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت پلاک و کارت هوشمند سوخت وانت دوکابین تویوتا هایلوکس به رنگ قرمز معمولی مدل ۱۹۹۱ به نام عبداله چاکری به شماره انتظامی ۳٥۹س٦٦ ایران ۹٥ به شماره موتور ۰۸۷۸۷٥۷ و شماره شاسی YN8600008644 به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

پلاکت اطاق در سمت راننده وانت دوکابین تویوتا هایلوکس به رنگ دودی متالیک مدل ۱۹۹۲ به نام سلیم دهواری محمدی به شماره انتظامی ٤۷۹س٤۹ ایران ۹٥ به شماره موتور ۰۹٦٥٥٤۲ و شماره شاسی ۰۰۱۹۳۹۱ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت (برگ سبز) وانت کمپرسی نیسان ۲٤۰۰ به رنگ آبی روغنی مدل ۱۳۸٤ به نام محمدرحیم صادقی سرجو به شماره انتظامی ۱٥۱س٥۸- ایران ۹٥ به شماره موتور ۲۹۸٥۰۹ و شماره شاسی D91470 به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز، سند کمپانی و کارت موتورسیکلت به سیستم نامی و به تیپ ۱٥۰ به رنگ مشکی و مدل ۱٤۰۲ به شماره تنه NBEAKRKBF2E059610149NBE شماره موتور ۱۲٥٥٥۱ به شماره پلاک ۳۲٦-٤٦۳۳۲ به نام حیات رضایی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز سند کمپانی و کارت ماشین خودرو سواری پیکان ۱٦۰۰ مدل ۱۳۷۸ به شماره انتظامی ۹۱د۱۲٤ ایران ۱۷ به شماره موتور ۱۱۱۲۷۸۷۳۱۷۷ شماره شاسی ۷۸٤۷۷۱۳۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی دعوت

جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت صنایع بسته بندی نهان گل بروجن (سهامی خاص) ثبت شماره ۱۰۳٥ (بروجن) به شناسه ملی شماره ۱۰۳٤۰۰۳۷٦۰۰ در ساعت ۱٥ بعدازظهر روز سه شنبه مورخ ۱٤۰٤/٥/۲۱ در محل دفتر تهران (خیابان خالد اسلامبولی - خیابان ۳۷- پلاک ۸) تشکیل می گردد. لذا از کلیه صاحبان سهام شرکت (اصالتا یا وکالتا) دعوت می گردد در جلسه مذکور حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:
۱- انتخاب اعضای هیات مدیره شرکت

هیات مدیره شرکت

تاریخ انتشار ۱٤۰٤/٥/۹
خ ش ۱٤۰٤/٥/۹

آگهی دعوت

جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت بازرگانی مریم بروجن (سهامی خاص) ثبت شده ۳٦۹۱ (بروجن)، شناسه ملی شماره ۱٤۰۱۲٦۲۲۸۷۰ در ساعت ۱٥ روز چهارشنبه ۱٤۰٤/٥/۲۲ در محل دفتر تهران (خیابان خالد اسلامبولی - خیابان ۳۷- پلاک ۸) تشکیل می گردد. لذا از کلیه صاحبان سهام شرکت (اصالتا یا وکالتا) دعوت می گردد در جلسه مذکور حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:
۱- انتخاب اعضای هیات مدیره شرکت

هیات مدیره شرکت

تاریخ انتشار ۱٤۰٤/٥/۹
خ ش ۱٤۰٤/٥/۹

آگهی دعوت

جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت صنایع بسته بندی نهان گل بروجن (سهامی خاص) ثبت شماره ۱۰۳٥ (بروجن) به شناسه ملی شماره ۱۰۳٤۰۰۳۷٦۰۰ در ساعت ۱۰ صبح روز سه شنبه مورخ ۱٤۰٤/٥/۲۱ در محل دفتر تهران (خیابان خالد اسلامبولی - خیابان ۳۷- پلاک ۸) تشکیل می گردد. لذا از کلیه صاحبان سهام شرکت (اصالتا یا وکالتا) دعوت می گردد در جلسه مذکور حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:
۱- تصویب ترازنامه و صورتهای مالی سال ۱٤۰۳
۲- انتخاب بازرسان اصلی و علی البدل شرکت
۳- انتخاب حسابرس شرکت
٤- کلیه مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی مذکور می باشد.

هیات مدیره شرکت

تاریخ انتشار ۱٤۰٤/٥/۹ خ ش ۱٤۰٤/٥/۹